



جوان بود و پرشور. برنامه‌های زیادی در سر داشت. وارد ساختمانی ۱۰ طبقه در نزدیکی‌های سفارت آمریکا در خیابان طالقانی شد. سال ۵۹ بود و آنجا، اتاق بازرگانی، صنایع و معادن ایران. از پله‌ها بالا رفت. می‌خواست مجموعه تحت مدیریت خود و امکاناتش را بهتر بشناسد. به طبقه هفتم رسید، سمت راست و در انتهای راهرو به سمت چپ پیچید. اتاق منشی رئیس. چند کاناپه معمولی، یک فرش کهنه، اما دست بافت و قیمتی و میزی با دو دستگاه تلفن در انتهای اتاق، با دیوارهای لخت همه اثاثیه آن اتاق کوچک بود. پرده‌های صورتی رنگ ضخیمی تمام پهنای تنها پنجره اتاق را پوشیده بود. نور به زحمت خود را به داخل می‌رساند. دست راست در اتاق رئیس بود. چند میز با صندلی‌های زیادی که دورتادور آن چیده شده بودند، یک قفسه خالی کتاب و مجله، دو چراغ مطالعه و دو سه دستگاه تلفن، تقریباً بدون کمترین سلیقه‌ای در اتاق بزرگ چیده شده بود. پرده‌های صورتی رنگ و کلفت سرتا سر پنجره‌ها را پوشانده بود.

او کارش را شروع کرد. مهندس سیدعلی نقی سیدخاموشی، وابسته به یک خانواده درجه چهارم بازار تهران و عضو شورای مرکزی جمعیت مؤتلفه اسلامی. پیش از آن چند ماهی بنیاد علوی را که پس از انقلاب مسئولیت اداره و کنترل بنیاد پهلوی را بر عهده داشت، مدیریت کرده بود.

حالا در سال ۵۹ وارد اتاق بازرگانی صنایع و معادن ایران شد و تا ۲۳ سال بعد طولانی‌ترین مدیریت با ثبات جمهوری اسلامی را با خود یدک کشید. شغلی که نه پیشرفت داشته و نه پسرفت. ۲۳ سال تمام رئیس بودن بعضی وقت‌ها کسالت آور است. هرچند که او در کنار این شغل یک دوره نماینده مجلس چهارم بود و علی‌رغم نامزد شدن برای دوره مجلس پنجم نتوانست به آن راه یابد.

۱۰ سال خاموشی در دوران جنگ

شورای انقلاب در سال ۵۸ تجارت خارجی را ملی کرد. هدف طراحان آن طرح این بود تا همگام با ملی شدن بانکها، بیمه و صنایع، برای جلوگیری از برخورداری گروههایی از آزادی تجارت خارجی، آنها را هم محدود کنند.

یکی از وزیران دولت‌های میرحسین موسوی و هاشمی رفسنجانی می‌گوید: «در ابتدای انقلاب تقریباً هیچکدام از ما تجربه کار اجرایی را نداشتیم. از سر

میز کلاس‌های درس و مشق دانشگاه یک راست به وکالت، وزارت و صدارت رسیده بودیم... اما وضعیت جمعیت مؤتلفه ای‌ها از این بابت از ما بهتر بود. آنها حداقل مغازه و حجره‌ای را اداره کرده بودند و با کارهایی اجرایی در سطح خرد و ریز آشنا بودند...»

او می‌گوید: «همین آشنایی به کارهای اجرایی بود که دولت را محتاج آنها کرد و چانه زنی برای خرید کالای اساسی با طرفهای خارجی و استفاده از شبکه گسترده توزیع سنتی کالاها را برای نزدیک به یک دهه در اختیار آنها گذاشتند. دولت از این کار خود راضی نبود و با بی میلی آن را می‌پذیرفت، اما چاره ای نبود...»

در آن سالها جمعیت مؤتلفه اسلامی که دارای ناب‌ترین تمایلات سنتی تجاری کشور بود، مصادر کالاهای مهم سیاسی-اقتصادی را در اختیار خود گرفته بود و این مورد هم کمکی بود به اتاق بازرگانی ایران و هم اتاق، کمکی بود به آنها.

براساس قانون، اتاق ایران نقش مشاوره‌ای به سه قوای مجریه، مقننه و قضاییه را برعهده دارد. این تشکل غیر انتفاعی تنها مرجعی است که به راحتی می‌تواند بدون استفاده از امکانات و خواستگاه دولت ایران، با کشورها و شرکت‌های خارجی وارد مذاکره شود.

اصل ۴۴ قانون اساسی به اعتراف تمامی فعالین سیاسی-اقتصادی کشور تحت تأثیر فضای چپ داخل و خارج کشور تقریباً همه فعالیت‌های اقتصادی کشور را دولتی کرده بود. اگرچه در این اصل به وجود سه بخش دولتی، خصوصی و تعاونی اذعان شده بود، اما عملاً دوبخش آخری یا از بین رفته بودند و یا این که در فعالیت‌هایی چون کشاورزی و خدمات آن هم از نوع واسطه‌گری و دلالی بسیار محدود شده بود.

دولت نیاز به واردات گسترده و فراوان داشت. پنیر، روغن، شیر، چای، برنج، گندم و هزاران قلم کالای صنعتی و نظامی. نرخ ارز رسمی هفت تومان بود. درحالی که نرخ ارز در بازار آزاد مرتباً و روز به روز افزایش یافت تا این که در سال ۶۸ به حدود ۱۶۰ تومان رسید.

سرپل ارتباطی بسیاری از خریدهای کالاهای اساسی دولت از خارج، بازرگانان بخش خصوصی بودند. طبیعتاً قابل تصور است که حضور حبیب‌الله عسکراولادی دبیرکل جمعیت مؤتلفه اسلامی در وزارت بازرگانی و دوستی و هم مسلکی او با هیأت رئیسه اتاق، فرصتهای ارزنده‌ای را برای اتاق تشنه فعالیت مهیا کرده است.

واقعیت این است که دولتی‌ها هرگز بازرگانان خوبی نبوده‌اند. در همه جای جهان؛ و در ایران هم صادق است. بازرگانان بخش خصوصی و اعضای اتاق بازرگانی که حالا دیگر دست خود را در صادرات و واردات بسیار محدود می‌دیدند، شمه‌ای دیگر از توانایی خود را نشان دادند. جوش دادن معامله‌های دولت با طرفهای خارجی. و در کنارش مقداری هم صادرات خشکبار، پسته، زعفران و فرش و صنایع دستی.

همان وزیر که نمی‌خواهد نامش آورده شود می‌گوید: «همیشه در جلسات هیأت دولت، این ناراحتی وجود داشت که واسطه‌های وابسته به بازاریان که روز به روز قدرت سیاسی‌شان هم گسترش می‌یافت، و خرید کالاهای اساسی را برای دولت انجام می‌دادند، و همچنین ادامه آنها در بازار خرده‌فروشی که توزیع آن کالاهای وارداتی را در انحصار خود داشتند، مشکلات و نگرانی‌هایی را برای دولت ایجاد کنند. بنابراین علی‌رغم تمایل شدید دولت و شخص نخست‌وزیر هیچ برخوردی با آنها نمی‌شد... با این شرایط آن دوران ناگوار را سپری کردیم...»

به گفته وی: «اتاق بازرگانی در آن سالها نمی‌توانست کاری از پیش ببرد. فعالیت‌های تولیدی داخل کاملاً مختل شدند و صاحبان صنایع از کشور فرار کرده بودند. چیزی هم برای صادرات وجود نداشت، بنابراین طبیعی بود که اتاق به واسطه‌گری داخلی و بین‌المللی و بهره‌جستن از تفاوت فاحش بین نرخ اسمی ارز و نرخ آزاد آن رو بیاورند.»

آقای ... برادر رئیس... که از نزدیکان و وابستگان... است، در آن سالها نقش واسطه و چانه‌زنی برای خرید پنیر خارجی (دانمارکی) را برای دولت ایران بر عهده داشت. در آن زمان هر کیلو پنیر دانمارکی به قیمت عمده فروشی حدود یک دلار بود و هر دلار رسمی هفت تومان و هر دلار آزاد ۱۰۰ تومان بود. براساس یک توجیه ظاهراً عقلانی آن پنیرها به قیمت هر کیلو دو دلار در بازار عمده فروشی خریداری شد و تا به دست مصرف‌کننده ایرانی برسد حدود سه دلار تمام می‌شد. یعنی حدود ۲۱ تومان. این قیمت برای مصرف‌کننده داخلی اغواکننده بود. آنها آن یک دلار اضافی را که از طریق واسطه‌گری کسب کرده بودند در بازار آزاد به قیمت ۱۰۰ تومان می‌فروختند و سپس آن را به بانک می‌فروختند و بانک برای آنها ۱۴ دلار با نرخ هفت تومانی تقاضا باز می‌کرد. این یعنی خلق پول از هیچ.

یک کارشناس اقتصادی می‌گوید: «این هشت سال جنگ، فرصت خوبی بود برای علاقه‌مندان به بوی خوش زعفران و خاک قیمتی فرش تا هم توانایی بین المللی خود را بالا ببرند و هم در داخل شبکه‌های خود را گسترش دهند. در واقع در تمام این سالها آنها خود را برای حضور پرقدرت در شکوفایی اقتصادی و دوران پس از جنگ آماده می‌کردند.» حالا دیگر نوبت وارد شدن به دنیای روغن صنعت و خاک معدن با پولهای واسطه‌گری رسیده بود.

۱۳ سال خاموشی پس از پایان جنگ

سال ۶۸، سال پایان جنگ و شروع اجرایی برنامه تعدیل اقتصادی بود که خصوصی‌سازی، آزادسازی تجارت خارجی، کاهش تعرفه‌ها و حذف یارانه‌ها را در دل خود داشت، نویدی بود تازه برای هیأت رئیسه محافظه کار اتاق بازرگانی که دنیای جدیدی را پیش روی خود می‌دیدند.

حالا دیگر اتاق ایران در خیابان طالقانی هر روز شاهد برگزاری جلسات متعدد با بخش خصوصی، دولتی و سرمایه‌گذاران کشورهای خارجی بود. اروپایی، آسیایی و عربی، یکی یکی می‌آمدند و می‌رفتند. سفرهای متعدد، رد و بدل کردن کارتهای ویزیت و گفت و گوهای مطبوعاتی و رادیو و تلویزیونی دیگر به یک رسم بدل شده بود. برای وارد شدن به دنیای صنعت و تجارت نوین باید ژست آن را هم گرفت.

بورس و شورای عالی پول و اعتبار فعال شدند و رئیس اتاق طبق قانون می‌تواند در این دو نهاد حساس تصمیم گیر اقتصادی و پولی کشور، حضور فعال و مؤثر داشته باشد.

اما با گشایش نسبی برای فعالیت بخش خصوصی و به تبع آن اتاق ایران، اتفاق خاصی در فرآیند مدیریت و نوآوری هیأت رئیسه آن ایجاد نشد. در واقع اتاق ایران در تمام سالهای مذاکره و چالش با سرمایه‌گذاران خارجی که توسط دولت و نهادهای دولتی در جریان بود، بدون کمترین هزینه‌ای، فقط از فواید توافق‌های به عمل آمده سود می‌برد.

هرگز اتاق به طور خودجوش و ابتکاری موفق به انعقاد قراردادی با طرفهای خارجی نشد. اگرچه آنها به طور مستقیم با کشورها و طرفهای خارجی وارد مذاکره می‌شوند و نقش مشاوره‌ای را به قوی سه‌گانه دارد، اما به نظر می‌رسد که از این فرصت به خوبی استفاده نکرده است.

به گفته یک عضو ارشد اتاق بازرگانی: «بارها اتفاق افتاده که ما در مذاکرات دوجانبه و چندجانبه خود، با این گفته خارجی‌ها مواجه می‌شویم که شما باید سیاست تنش‌زدایی، حمایت از سرمایه‌های خارجی، اصلاح قوانین و مقررات گمرکی و تعرفه‌ها، کاهش حجم فعالیت دولت در تصمیم‌گیریها و فعالیت اقتصادی و بهبود روابط سیاسی - اجتماعی با دنیای غرب بویژه آمریکا و همینطور رعایت حقوق بشر را سرلوحه کار خود قرار دهید، تا بتوانید از سرمایه‌های خارجی استفاده کنید و ریسک سرمایه‌گذاری ایران کاهش یابد...»

خود رئیس اتاق ایران سیدعلی نقی خاموشی بارها به طور مستقیم و غیرمستقیم به وجود چنین معضلاتی در سیاست خارجی و داخلی کشور که به

اقتصاد ایران ضربه می‌زند اشاره کرده است. اما معلوم نیست که چرا این مشاوره‌ها کوچکترین ما به ازایی در دولت مردان سیاسی راست و محافظه‌کار که از قضا، از نزدیکان فکری و جناحی رئیس‌اتاق و برخی از اعضای هیأت رئیسه آن هستند، نداشته است.

محمّدی کارشناس اقتصادی می‌گوید: «نداشتن یک تحلیل مناسب و کافی از شرایط اقتصادی و سیاسی کشور و جناحی برخورد کردن اعضای هیأت رئیسه اتاق موجب شده تا هیچ‌گاه این مشاوره‌ها ره بر جایی نبرد.»

با اجرای سیاست خصوصی‌سازی در دولت اول هاشمی رفسنجانی مذاکرات زیادی برای در اختیار گرفتن و خریداری کارخانه‌های متعدد شروع شد. از این زاویه امکان راه‌یابی سهلتر و راحت‌تر به صنعت و معدن فراهم شده بود.

خریداری دوکارخانه «ایران هرمون» و «داروسازی حکیم» برای خانواده‌های... نمونه‌های بارزی از چگونگی حضور و فعالیت اعضای ارشد اتاق ایران در خصوصی‌سازی آن هم به شیوه مذاکره آن است. صاحبان بعدی این دوکارخانه، مبلغی را که در جریان مذاکره بر روی آن توافق شده بود را از عایدی آن دوکارخانه پرداخت کردند. جالب این‌که پرونده بسیاری از خصوصی‌سازی‌ها به شیوه مذاکره بعدها مورد بازرسی قوه قضاییه و سازمان بازرسی کل کشور قرار گرفت، ولی هیچ‌گاه پرونده‌های «ایران هرمون» و «داروسازی حکیم»، رو نشد.

دبیر کل سالهای دور اتاق ایران در خصوص عدم موفقیت اتاق در اجرای نقش مشاوره‌ای خود می‌گوید: «مهمترین چیزی که اتاق ایران در سالهای گذشته به آن احتیاج داشته و متأسفانه هرگز به آن توجهی نشده است، حضور افکار مختلف و از جناح‌های مختلف در هیأت رئیسه اتاق است. ولو اینکه این افراد وابسته به جناح‌های سیاسی بیرون از اتاق باشند. اما وقتی آنها در غالب یک تشکل کارآفرینی و اقتصادگردانان، تولیدکنندگان و صنعتگران جمع می‌شوند و به دنبال توسعه آن هستند، ایجاد فضای آزاد برای ارائه افکار مختلف ضروری است.»

به گفته وی: «در هیأت نمایندگان و هیأت رئیسه باید باز عمل شود و سیستم حضور و مشارکت گسترده اعضا وجود داشته باشد. وقتی که گفته می‌شود یکی از مهمترین مشکلات اقتصادی ایران این است که مردم و بخش خصوصی به طور فعال در آن حضور ندارند، همین است که در یک تشکل بخش خصوصی هم کمترین نشانه‌ای از مشارکت فراگیر وجود ندارد.»

در واقع در دوره وزارت آل اسحاق بر وزارت بازرگانی که وی از اعضای شورای مرکزی جمعیت مؤتلفه بود و همچنین در زمان مجلس چهارم که اکثریت آن بامحافظه‌کاران و جناح راست بود و خود سیدعلی نقی خاموشی هم سمت نمایندگی را در مجلس داشت، شرایطی فراهم شد که این کاهش مشارکت قانونی شود.

اصلاح قانون انتخابات اتاق در مجلس در سال ۷۳ و به تبع آن ایجاد یک سری قوانین و مقررات و آیین‌نامه اجرایی در وزارت بازرگانی تحت کنترل آل اسحاق، به نوعی نظارت استصوابی را بر اتاق و شرایط انتخابات آن اعمال کرد. هیأت نظار صلاحیت کاندیداها را بررسی و سوابق کاری و تجربی آنها را مدنظر قرار می‌دهد و از میان آنها تعدادی را برای احراز سمت نمایندگی لایق فرض می‌کرد. درواقع آنها با این فرآیند هم موجبات عدم مشارکت فعال اعضای اتاق را فراهم کردند و هم شرایطی پیش آمد که اعضای که خودشان می‌خواهند و حق و توان و اختیار کاندید شدن را داشتند، انتخاب کنند.

خاموشی در انتخابات اتاق

در چهار دوره گذشته که از سال ۱۳۶۵ اتاق ایران انتخاب شورای نمایندگان و هیأت رئیسه را به طور مرتب برای هر دوره چهارساله برگزار کرده است، همواره ۷۵ درصد اعضای آن ثابت بوده اند. سیدعلی نقی خاموشی در چهار دوره گذشته رئیس اتاق ایران، عسکراولادی در سه دوره عضو هیأت رئیسه و میرمحمدصادقی در هر چهار دوره عضو هیأت رئیسه بوده‌اند. در دوره دوم که از سال ۶۹ تا ۷۳ طول کشیده بود یحیی آل اسحاق به عنوان نماینده دولت و

وزارت بازرگانی عضو این هیأت رئیسه بوده که درواقع به دلیل گرایش سیاسی اش او هم تفاوتی ماهوی با دیگر اعضای هیأت رئیسه وابسته به جمعیت مؤتلفه نداشته است.

از نظر تئوری، سیدعلی نقی سیدخاموشی معتقد به حداقل واردات آن هم در بخش کالاهای واسطه ای و سرمایه ای است.

او می گوید: «هیچ کالای مصرفی به ویژه اگر در کشور تولید می شود نباید وارد شود.»

خاموشی همچنین مخالف سرسخت قاچاق کالا است. او بارها و بارها گفته و این گفته خود را ناشی از شجاعت خود می داند که باید اصول اقتصادی قانون اساسی به ویژه اصل ۴۴ آن تغییر یابد. چرا که با شرایط امروزی جامعه سازگاری ندارد.

خاموشی از طراحان طرح تغییر قانون کار و ایجاد اتحادیه هایی دوجانبه و چند جانبه بین ایران و کشورهای دیگر است. او همچنین نقش تنش زدایی در عرصه سیاست خارجی را با هدف گسترش مناسبات اقتصادی به ویژه برای بخش خصوصی پراهمیت می داند.

از او می پرسیم: «تمام این گفته ها و نظرات شما بسیار ایده آل و بدیع است، اما چرا همفکران و هم مسلکان و یاران شما در عرصه سیاسی - اجتماعی به گونه ای عمل می کنند که نتیجه آن دقیقاً برخلاف گفته های شماست؟»

او پاسخ می دهد: «من یار و رفیق ندارم. چرا بحث را سیاسی می کنید.» می گویم: «باور نمی کنم که شما از دوستان خود در جمعیت مؤتلفه و جناح راست دور شده باشید، شما هنوز عضو شورای مرکزی جمعیت مؤتلفه هستید.

تعدادی از اعضای اتاق بازرگانی خاموشی را در بنگاه داری آدم موفق می دانند. آنها به نحوه مدیریت او در ضعیف ترین بخش صنعت که صنعت نساجی است اشاره می کنند و می گویند: او توانسته شرکت نساجی جامعه وابسته به جامعه الصادق و پارچه بافی وابسته به مدرسه عالی شهید مطهری را به گونه ای مدیریت کند که این دو واحد هم اکنون دوتا از بهترین و پرسوده ترین واحدهای صنعت نساجی و در کل صنعت کشور هستند.

اما منتقدین وی نظر دیگری دارند: «خاموشی با استفاده از رانت هایی که داشته توانسته بهترین تجهیزات را با ارزهای تقریباً ارزان برای این دو کارخانه تهیه کند. کارخانه هایی که از مراکز عمده تأمین مالی محافظه کاران سنتی و رادیکال هستند.»



علاءالدین میر محمدصادقی یک تاجر تهرانی است که علاقه ویژه ای به گچ دارد. او به عنوان یکی از نمایندگان بخش صنعت که وابستگی تمام به

هیأت‌های مؤتلفه دارد در طول چهار دوره گذشته در هیأت رئیسه اتاق حضور داشته است. او سالها رئیس اتاق ایران و کانادا است.

اسدالله عسکراولادی که در روزهای گذشته خود را درمیان پنج تاجر موفق و درجه اول کشور قرار داده است، بیشترین تلاش خود را به صادرات، خشکبار، پسته و زعفران معطوف کرده است، او یک صادرات چای حرفه‌ای است و زمانی که قانونی تصویب شد که باید صادرات در قبال واردات انجام شود او یکی از مخالفین اصلی این قانون بود. «یک صادرات چای، صادرات چای است و واردات چای، واردات چای، نباید اینها را با هم یکی دانست.» او سالهاست که رئیس اتاق ایران و انگلیس است.

نعمات خاموش رئیس بودن

اتاق ایران سالانه حدود دویلیارد تومان که عواید حاصل از سه درهزار صادرات اعضای خود است را دریافت می‌کند و نزدیک ۵۰۰ هزار دلار هم بابت صدور مجوز «کارنه» عایدی دارد. علاوه براین حدود ۱۶ هزار عضو دارد که حق عضویت نیز از آنها دریافت می‌کند.

اتاق ایران مقدار زیادی اوراق مشارکت، ارز و فرشهای گران‌قیمت در انبارها و اتاق‌های متعدد خود به عنوان دارایی دارد و گفته می‌شود مدیریت حفظ ذخایر و دارایی‌های آن به دلیل وابستگی آن به بخش خصوصی بسیار کارآمد است. درواقع یکی از نکات مثبت آن همین مدیریت ذخایر آن است.

در زمانی که بزرگترین تاجران ایرانی و مدیران ارشد دولتی به سختی قادر بودند خودرویی بالاتر از مدل پیکان را در اختیار داشته باشند درسال ۷۱، اتاق ایران دویژوی ۶۰۵ اهدایی شرکت پژو را در اختیار داشت و هیأت رئیسه و رئیس از آن استفاده می‌کردند. این پژوها در غالب اخذ قرارداد شرکت پژو با شرکت ایران خودرو به ایرانی‌ها تحویل داده شده بود. این خودروها در آن سال عالی‌ترین خودروهای روز بودند.

ریاست براتاق یک قدرت اقتصاد بزرگ و امتیاز ویژه محسوب می‌شود. در شوراهای مختلف تصمیم‌گیری کشور حضور دارد، از تصمیمات زودتر از سایرین خبر دار می‌شود.

به گفته یکی از تاجرانی که در تعدادی از سفرهای خارجی اعضای هیأت رئیسه اتاق حضور داشته است دراین سفرها جلسات متعددی با بیزینس من‌ها و تاجران خارجی گذاشته می‌شود آنها دراین سفر ضمن آشنایی بیشتر با بازارهای خارجی و طرف‌های خارجی بطور مستقیم با دفاتر و شرکت‌های خود در خارج از کشور مراوده و تماس برقرار می‌کنند و بسیاری از قراردادهای تجاری خود را در حاشیه سفرهایی که با خرج اتاق صورت گرفته منعقد می‌کنند. درحالی که اگر آنها خودشان می‌خواستند جداگانه چنین مسافرت‌هایی به خرج خودشان داشته باشند، می‌بایستی در هرسفر دهها هزار دلار خرج ملاقات‌ها و تلفن‌ها و دید و بازدید خود کنند.

از بابت داشتن اطلاعات و آن رانت اطلاعاتی در سالهایی که نوسانات بسیاری در تصمیم‌گیری و نرخ ارز وجود داشت، بسیاری از نزدیکان و دوستان و مقامات ارشد اتاق به درآمدهای هنگفتی رسیدند.

آقای ... داماد جوان و ۳۴ ساله آقای ... اکنون یکی از پولدارترین افراد ایرانی است. او سالها سرنخ واردات عمده تلویزیون را از آسیای جنوب شرقی به ایران در دستان خود داشت. یک جوان از یکی از روستاهای مازندران.

وظایف قانونی خاموش

فراهم کردن موجبات رشد و توسعه اقتصادی کشور، تبادل افکار و بیان آرا و عقاید مدیران صنعتی، معدنی، کشاورزی و بازرگانی مهمترین وظیفه و هدف اتاق بازرگانی ایران است. وظایفی که اگر در تمام سالهای فعالیت این اتاق، تنها درصد اندکی از آنها تحقق می‌یافت، وضعیت اقتصادی کشور، قطعاً به گونه‌ای دیگر می‌بود.

این تشکل غیرانتفاعی یکی از مهمترین مراکز تصمیم‌گیری بخش خصوصی است که آن را هم نمایندگی می‌کند. اگرچه خاموشی در گفت‌وگو با یک هفته‌نامه درسال ۷۶ گفته بود اتاق بازرگانی سخنگوی بخش خصوصی نیست.

در طول ۲۲ سال گذشته یک مدیریت ثابت و با حداقل نوآوری سکاندار اتاق در تحولات دودهه اخیر بوده است. تحولاتی که حداقل بازتاب را در اتاق ونگرش آن داشته است. یک کارشناس و مدیربازرگانی می‌گوید: واقعیت این است که در طول ۲۲ سال گذشته اگر این مدیران چیزی می‌دانستند، زمان وامکان لازم را برای اجرایی شدن آن داشتند، اتاق حالا نیاز به افراد جدیدتر، خون تازه ونگرشهای جدید دارد. وظایفی که از عهده مدیران فعلی آن برنمی‌آید.

براساس قانون انتخابات اتاق، ملاک و معیار انتخابات اکثریت آرا به صندوق ریخته شده است و مشخص نشده که این اکثریت باید چه میزان رأی را دریافت کنند تا انتخاب شوند.

خود این موضوع فلسفه عدم حضور اعضا در انتخابات و همین‌طور راضی بودن مسئولین اتاق از این امر را می‌رساند. برای همین در طی سالهای گذشته هرچه تعداد اعضا افزایش یافته، تعداد کسانی که در انتخابات شرکت کرده‌اند کاهش یافته است و در نتیجه کوچکترین تغییری در مدیریت آنها اعمال نشده است.

حالا دیگر آن رئیس برآمده از خانواده درجه چهار و پنج بازار تهران هرروز با پژوی ۶۰۵ از باغ ۱۰ هزارمتری خود در لواسان تا طبقه هفتم ساختمانی در خیابان طالقانی را طی می‌کند.

اتاق منشی همچنان از دستاوردهای تکنولوژی روز از همان دو دستگاه تلفن استفاده می‌کند، دیوارها لخت هستند و کاناپه‌ها قدیمی اما تمیز و فرش کهنه‌تر از پیش. پرده‌های صورتی‌رنگ ضخیم همچنان نفوذ نور خورشید به اتاق را مانع می‌شوند؛ اتاق رئیس هم همین‌طور دست نخورده است.